

The relationship between archeology and history in the process of historical research

Masoomeh Taheri Dehkordi¹

Abstract

Humans are always trying to understand the past throughout history. This recognition through written documents and documents left behind includes cultural materials and ancient artifacts, which are the result of human activity and interactions with the surrounding environment. Cultural and historical landscapes, as a clear sign of human culture-creating interaction, help in the close connection of archaeological research and history along with the management and optimal efficiency of our cultural heritage. History has common areas with archaeological knowledge and activities, and it has made many efforts in the development, preservation, restoration, and promotion of monuments and monuments resulting from archaeological activity. Now, considering the common issues between archeology and history in the cultural field, these two disciplines can establish a close relationship. The purpose of this article is to express the relationship between the two fields of archeology and history; that the results of the research can lead to the necessary foundation in the direction of communication and connection between the two disciplines of history and archeology based on the historical and cultural approach. Both disciplines are trying to learn through interaction between the data collected along with written sources to answer where man came from, what is his past and what legacy have the past left for us. The research method is theoretical and based on library studies, based on this, the main approach in compiling the program of both disciplines is to learn Iranian culture, focusing on the preservation and monitoring of ancient and cultural monuments.

Keywords: Archeology, history, exploration, cultural data.

¹ Corresponding Author, Email: m.dehkordi2010@yahoo.com

ارتباط باستان شناسی و تاریخ در روند پژوهش‌های تاریخی

معصومه طاهری دهکردی^۲

دانش آموخته دکتری باستان شناسی

چکیده

انسان همیشه در طول تاریخ در تلاش جهت شناخت گذشته است. این شناخت از طریق مدارک مکتوب و مدارک به جای مانده شامل مواد فرهنگی و آثار باستانی است که نتیجه فعالیت انسان و تعاملات او با محیط پیرامون است. مناظر فرهنگی و تاریخی به عنوان نشانه آشکار برهم کنش فرهنگ ساز انسان به ارتباط نزدیک پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخ در کنار مدیریت و بهره‌وری بهینه از موارث فرهنگی ما را کمک می‌کند. تاریخ حوزه‌های مشترکی با دانش و فعالیت‌های باستان‌شناسی دارد و در توسعه، حفظ، احیاء، ارتقاء بناها و یادمان‌های حاصل از فعالیت باستان‌شناسی تلاش‌های بسیاری کرده است. حال با توجه به موضوعات مشترک بین باستان‌شناسی و تاریخ در حوزه فرهنگی، این دو رشته می‌توانند ارتباط تنگاتنگی برقرار کنند. هدف از این مقاله بیان ارتباط دو رشته باستان‌شناسی و تاریخ است؛ که نتایج حاصل از تحقیقات می‌تواند منجر به بستر سازی لازم در راستای ارتباطات و هم پیوستگی دو رشته تاریخ و باستان شناسی بر اساس رویکرد تاریخی و فرهنگی گردد. هر دو رشته در تلاش بابت یادگیری از طریق کنش متقابل بین داده‌های جمع‌آوری شده در کنار منابع مکتوب هستند؛ تا پاسخ دهند که انسان از کجا آمده، چه گذشته‌ای دارد و گذشتگان چه میراثی برای ما به جای گذاشته‌اند. روش تحقیق نظری و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. بر این اساس، رویکرد اصلی در تدوین برنامه هر دو رشته شناخت فرهنگ ایران با محوریت بخش‌های صیانت و نظارت از آثار باستانی و فرهنگی است.

کلیدواژه‌گان: باستان‌شناسی، تاریخ، کاوش، داده‌های فرهنگی

^۲ رایانامه نویسنده مسئول: m.dehkordi2010@yahoo.com

مقدمه

انسان همواره در طول تاریخ درصدد شناخت گذشته خود بوده است، چرا که این شناخت نقش مهمی در شکل گیری هویت جوامع انسانی دارد، و این تاریخ نقش مهمی در شناخت جنبه‌های گوناگونی از گذشته داشته است. رشته تاریخ و باستان‌شناسی با وجود دامنه‌های مطالعاتی متفاوت، هر دو در شناخت فرهنگ و گذشته جوامع به عنوان یک چهارراه ارتباطی تکمیل کننده اطلاعات یکدیگراند. وجود تنوع‌های متفاوت اطلاعاتی یکی از طریق متون و دیگری داده‌های باستان‌شناسی تاثیر شگرف در درک این مفاهیم بسیار قابل تامل است. فلسفه آموزش و پرورش به نظر فرانکا (۱۹۷۱) و کارن (۱۹۹۸) فعالیتی نظری است که درباره فرایند آموزش و پرورش، هدفها و غایتها، روشها، نتایج و دستاوردهای آن بحث می‌کند (پایازاده، ۱۳۹۴: ۱۴۸). کار یک مورخ شناخت و معرفی بخش‌های مختلفی از گذشته است که دیگر به آن دسترسی نیست و او می‌بایست آن را به تمامی افراد آن جامعه با کمک مدارک مکتوب به صورتی که قابل درک باشد بیان نماید و باستان شناس در شناخت جوامع انسانی در کنار مدارک مکتوب، از شواهد دیگری که بازتاب دهنده گذشته و فرهنگ انسان است یعنی آثار ملموس استفاده می‌کند. این آثار، شامل مواد فرهنگی و آثار باستانی است که نتیجه فعالیت انسان و تعاملات او با محیط پیرامون است.

این موضوع یکی از حوزه‌های مهم مشترک بین تاریخ و باستان‌شناسی است. ارتباط بین باستان‌شناسی و تاریخ سبب تلاقی این دو رشته در استفاده از منابع است. باستان‌شناسی نیز در بخشی به کمک منابع مکتوب می‌تواند مطالعات خود را انواع کتیبه‌ها، سنگ نوشته‌ها، انواع گزارش‌های سالانه و ... تکمیل کند. امروزه اکثر پژوهشگران در عمل در کنار تجربه دریافته‌اند که این دو رشته در بخشی که با منابع مکتوب رو به رو هستیم یک تاثیر متقابل دارند. گرایش باستان‌شناسی دوران تاریخ و تاریخ گرایش ایران باستان سبب شده این دو رشته با یکدیگر ادغام شده و رابطه‌ای منسجم و تنگاتنگ با یکدیگر داشته باشند. امروز بسیار ضرورت دارد تا ارتباط این دو رشته بسیار مستحکم و همراه با یک هماهنگی مطلوب پیش رود؛ بنابراین می‌توان گفت تنها حلقه اتصال نیز مشخص نمودن ارتباط این دو رشته از طریق منابع مکتوب است. می‌توانیم بپذیریم مناسب‌ها، تفاوت‌ها و تمایزات میان باستان‌شناسی و تاریخ چونان دو رشته و دانش فوق العاده تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند.

باستان‌شناسی همه چیز در مورد کنار هم قرار دادن قطعات و بقایای مواد برای بازسازی گذشته و آغاز سفر به تمدن‌های باشکوه در تاریخ است. باستان‌شناسی فرآیندی پیچیده است که شامل مطالعه و بررسی دقیق یک منطقه خاص برای تعیین مکان‌هایی با سکونتگاه‌های انسانی احتمالی در گذشته است. سپس محل برای بازیابی بقایای مواد حفاری می‌شود. پس از طبقه‌بندی، داده‌های بدست آمده مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد تا رویدادهای تاریخی بازسازی شود. باستان شناسان باید در مستندسازی آثار بدست آمده هم از نظر کیفیت و هم از نظر کمی بسیار دقت داشته باشند (<https://sciencestruck.com>).

مفهوم ارزش به طور فزاینده‌ای بحث‌های باستان‌شناسی را پر می‌کند. بررسی چگونگی کارکرد ارزش در شیوه‌های متنوع باستان‌شناسی (بازسازی‌های گذشته، مدیریت میراث و نقد) یک عامل یکپارچه‌کننده برای بحث‌های باستان‌شناسی فراهم می‌کند. از طریق تبارشناسی ارزش در مدیریت میراث مادی، مشخص می‌شود که داده‌های شناسایی شده چگونه از نظر علمی و اطلاعات نشان داده شده از «گذشته» به یک عنوان یک شی تاریخی تبدیل شده است. بنابراین عملکرد باستان‌شناسی و حفظ آثار در ارائه نتیجه گیری‌های علمی و مدیریت میراث آثار می‌تواند به تولید ارزش‌های فرهنگی ختم شود؛ که این امر مستلزم آن است که باستان شناسان در رشته خود و زمینه‌های معاصر و شرایط اخلاقی کار خود

تجدید نظر کنند (Lafrenz, 2008:71). راجر اکو هاوک^۳ می‌گوید: "باستان‌شناسی مانند تاریخ فرهنگ، یک استدلال است برای گنجاندن گزارش‌های از گذشته‌ای، که برای نتیجه‌گیری با یک چندگانگی و حتی متضاد رو به رو است، در حالیکه از همان گزارش و همان پدیده پژوهشگران دیگر علوم استنادهای سنجیده‌ای را می‌توانند ارائه و به اشتراک گذارند. پس حتی تأثیر به اصطلاح یک "جنگ‌های علمی" رو به رو هستیم (Whiteley, 2002:405).

بنابراین باستان‌شناس بر خلاف یک مورخ قادر به دیدن رفتارهای مستند و مکتوب از جوامع نیست و این داده‌های باستان‌شناسی و بقایای مادی است که به کمک او می‌آید. هر دو این رشته‌ها در پی شناخت هویت‌های جامعه خود هستند. باستان‌شناس با انبوهی از داده‌ها رو به رو است که شامل شبکه‌ای از نظریات و داده‌ها است که هر کدام به یک روشی بدست آمده است. یک موزخ نیز در کنار روایات و منابع مکتوب نیاز به توجیه و تفسیر اطلاعات دارد تا بتواند واقعیت‌ها را مشخص کند. در حقیقت کار هر دو تجدید گذشته است به کمک مواد اطلاعاتی خود است: "مطالعه اطلاعات خام، تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی". در این راستا یک اثر و یا یک اثر مکتوب نه به تنهایی ولی در ارتباط با یکدیگر معنی پیدا می‌کنند و این اطلاعات در قالب یک مجموعه برای بازسازی پدیده‌های ناشی از رفتار فرهنگی بار مطالعاتی به خود می‌گیرند.

در عمل حوزه تجربی، مطالعات متعددی با موضوع تأثیرات متقابل تاریخ و باستان‌شناسی انجام گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: "پیوندها و پیوستگی‌های میان دانش باستان‌شناسی و تاریخ" از حکمت الله ملاصالحی (۱۳۹۶)، "چرا تاریخچه باستان‌شناسی اهمیت دارد؟" از موشنسکا گابریل (۱۳۹۶)، "معرفی رشته باستان‌شناسی و بررسی تأثیرات متقابل تاریخ و باستان‌شناسی" از میثم آقائی (۱۴۰۲)، "نقش باستان‌شناسی عملی در آموزش تاریخ به کودکان" از زهرا میراشه (۱۳۹۹)، "گفته‌ها و ناگفته‌ها درباره‌ی باستان‌شناسی روندگرا"، از فریبا موسی پور نگار و مهدی مرتضوی (۱۳۹۴)، تئوری و عمل در باستان‌شناسی، عباس علیزاده (۱۳۸۰)، مبانی نظری باستان‌شناسی، دارک (۱۳۷۹).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر محتوا توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است. بر این اساس پژوهشگر با مراجعه به آثار دست اول و دست دوم داده‌های مورد نیاز را گردآوری کرده است.

باستان‌شناسی و تاریخ

امروزه می‌دانیم رشته تاریخ به عنوان یک علم بنیادی مورد قبول همه پژوهشگران است و دیگر به تاریخ به عنوان یک رشته مستقل نگریسته می‌شود؛ اگر تحولات و رخداد‌های سده‌های رنسانس را پی‌گیریم می‌بینیم که بسیاری از ارزش‌ها تمامی توجه‌ها را به سمت تاریخ و تاریخ‌نویسی می‌برد. از این زمان به بعد است تاریخ در نگاه جدیدی جایگاه یافت. به همان اندازه دیگر به رشته باستان‌شناسی نیز به عنوان عتیقه‌یاب‌ها نگاه نمی‌شود؛ چرا که علیرغم افزایش آشکار پوشش آگاهی در باب موضوعات باستان‌شناسی در اخبار، مقالات و حتی مشاهده انواع برای برنامه‌های تلویزیونی باستان‌شناسی، اکثریت قریب به اتفاق مردم هیچ علاقه‌ای به باستان‌شناسی نداشتند. شاید مشکل اصلی در این بود که هیچ پارامتری وجود نداشت که به راحتی مرز بین آنچه که از نظر باستان‌شناسی جریان اصلی قابل قبولی است و آنچه با حدس و گمان «جایگزین» شده است، در طول زمان تغییر می‌کند را تعریف کند (schadla, 2004:255).

³Roger Echo-Hawk-

امروزه برخلاف تصور رایج، باستان‌شناسی صرفاً یک رشته دانشگاهی نیست. باستان‌شناس در تلاش است در دوره‌های جدید نسبت، رابطه، رویکرد، اندیشه و شناخت جدید انسان امروز را به موقعیت و مقام تاریخی داده‌های فرهنگی و آثار گذشته خود آشنا کند. باستان‌شناسی در میانه سده‌ی نوزده میلادی به صورت یک رشته دانشگاهی درآمد و صاحب جایگاه علمی گردید. مقبولیت عمومی و دانشگاهی یافت و وارد میدان پژوهش‌های عملی روشمند، و دانشگاهی شد و به صورت جدی به فعالیت‌های باستان‌شناسی توسط اشراف مورد توجه قرار گرفت. باستان‌شناس می‌داند فرهنگ‌های گذشته همان فرهنگ‌های مفقودی هستند که با مطالعه‌ی الگوهای فرهنگی زنده و فعال می‌توانند کلیدهای مناسبی در گشودن قفل‌های نگشوده فرهنگی گذشته باشد. از همان زمان گردآوری و نگاهداری آثار باستانی طور جدی نیز دنبال می‌شد. شاید بتوان گفت از همین زمان است که زمینه نگاه کردن به برخی رویکردها از دید باستان‌شناسی از نگاه تاریخ نیز قوت گرفت. بنابراین هر دو رشته از نظر موضوع پژوهش مشابهند و دامنه فعالیت هر دو رشته در برخی از قسمت‌ها به هم گره خورده و می‌توان گفت نتیجه پژوهش‌های مستقل در هر دو بخش می‌تواند به دیگری در کشف واقعیت در گذشته کمک کند. واقعیت این است که تاریخ و باستان‌شناسی به اندازه‌ای به یکدیگر نزدیک هستند که بخش قابل توجهی از موادی که در هر دو رشته به کار می‌روند، یکی است و در جاهایی که منابع مکتوب کم است، باستان‌شناسی به کمک تاریخ می‌آید.

باستان‌شناسی

توسعه شگرف علم و فناوری در قرن گذشته تحولات عمیقی را در دیدگاه‌های نظری و روش‌های علمی فراهم آورده که در جهت شناخت بهتر انسان و درک رفتار و فعالیت‌های انفرادی و اجتماعی او بوده است. در نیمه دوم قرن بیستم میلادی در اهداف، رهیافت‌ها، اصول و روش‌شناسی باستان‌شناسی تحول بنیادین به وجود آمده است؛ به طوری که امروزه بر پایه آثار و بقایای مادی بر جای مانده از فعالیت‌های انسانی در محیط چه آثار مدفون در دل زمین و چه آثار مشهود، می‌توان به گونه‌ای علمی سیستم‌های فرهنگی دوران پیش از تاریخ تا به امروز را بازسازی کرد. یک اثر نه به تنهایی ولی در ارتباط با آثار دیگر معنی پیدا می‌کند و به صورت یک مجموعه برای بازسازی پدیده‌های ناشی از رفتار فرهنگی بار مطالعاتی به خود می‌گیرد (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). بازسازی فرهنگ مادی به درک فناوری و سیر تحول آن در زمینه‌های متعدد زندگی انسان همچون کشاورزی، صنعت، شکار، دامپروری، تغذیه، ارتباطات، مهاجرت، تجارت، معماری و موارد بسیار دیگر منجر می‌شود و در نهایت به بازسازی روند اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، سیاسی، هنری و دیگر موارد می‌انجامد. بدین ترتیب باستان‌شناسی می‌کوشد تا به وسیله رهیافتی بین رشته‌ای پاسخی مناسب برای این مسائل بیابد. (همان: ۱۲۱-۱۲۲). شاید بتوان گفت باستان‌شناسی رشته‌ای علمی است که میان کاوش‌های علمی، توصیف و تفسیر نظری ارتباط و توازن برقرار می‌کند (فاگان، ۱۳۸۲: ۴۹). باستان‌شناسی رشته تحصیلی متنوعی است. بیشتر باستان‌شناسان بر روی یک منطقه خاص از جهان یا یک موضوع مطالعه خاص تمرکز می‌کنند. تخصص به باستان‌شناس اجازه می‌دهد تا علم خود را در مورد یک موضوع خاص توسعه دهند (<https://www.saa.org>). بنابراین باستان‌شناسی امروزه اگر بخواهد هم پایه دیگر علوم پیش برود می‌بایست با پیگیری تخصص‌های گوناگون پیش رود. برخی از مردم تصور می‌کنند که باستان‌شناسی مجموعه‌ای از روش‌ها نظیر ثبت دقیق، حفاری درست، تحلیل مشروح و کامل آزمایشگاهی است؛ ولی این تعریف و برداشت محدود، صرفاً با انجام و علم باستان‌شناسی و عمل واقعی کشف اطلاعات از زمین مربوط می‌شود. باستان‌شناسی جدید به مراتب بیشتر از گردآوری روش‌هاست؛ زیرا نه تنها به اکتشاف، تنظیم، بیان و توضیح مواردی مربوط به گذشته می‌پردازد، بلکه تفسیر و توجیه آثار و مدارک مکشوفه از زمین را نیز انجام می‌دهد (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

تاریخ

تاریخ را می‌توان مطالعه حیات اجتماعی انسان در زمان‌های مختلف، همراه با تحلیل اطلاعات مکتوب اشاره شده برای تحلیل نتایج، علم تاریخ برداشت مورخ و تفسیر و تحلیل وی از گذشته است. به عبارتی، تاریخ شرح اعمال گذشته‌ی بشر آن چنان است که مورخان بازسازی می‌کنند. اطلاعات دریافت شده همان گزارش‌ها یا تفسیر مورخ از رویدادها و اتفاقات گزارش شده از طریق منابع مکتوب و یا داده‌های فرهنگی شناسایی شده توسط باستان‌شناس حاصل می‌شود. تاریخ ترسیم سرگذشت فرهنگ‌های یک قوم است. تاریخ علل، زمینه‌های پیدایش، عوامل، پدیده‌ها و تمامی آنچه وابسته به یک قوم و ملت است را بررسی می‌کند. تاریخ از مجرای ذهن تاریخ‌نویس می‌گذرد. تاریخ همواره بینش خاص خود را دارد، لیکن هرگز کل حقیقت را در نمی‌یابد و شیوه آنان در دوره بندی تاریخ همواره، فرآورده ذوق ویژه اوست. به این معنا تاریخ کلاً به همان میزان که علم است، هنر نیز هست. به ویژه مقتی که مورخ از حد گزارش صرف وقایع و داده‌ها بگذرد و به تعبیر آن‌ها بپردازد (میراشه، ۱۳۹۹: ۵۰). مورخ بای شرح رویدادها و اتفاقات گذشته با بازسازی آن‌ها از طریق گزارش‌های موجود، نمی‌تواند تنها به گزارش‌های در منابع بسنده نماید. او ضمن بررسی دقیق این گزارش‌ها، با بهره‌گیری از علوم دیگر مانند جغرافیا و باستان‌شناسی و منابع غیر مکتوب و دیگر آثار باقی مانده از دوره‌ی مورد مطالعه‌ی خویش، به صورت غیر مستقیم به زوایای مختلف رویدادها پی برد.

ارتباط باستان‌شناسی و تاریخ

هر دو رشته به دنبال شناخت گذشته‌ی انسان و وقایع مربوطه هستند. سوالاتی که عموماً در ابتدای پژوهش خود مطرح می‌کنند عبارتند از: چرا چنین رویدادهایی اتفاق افتاده است؟ روند رویدادهای تاریخی چگونه بوده است؟ باستان‌شناسی دیگر تنها دانشی در پی یافتن اشیای باستانی از طریق کاوش‌های باستان‌شناسی و بازسازی آثار فرهنگی جوامع در گذشته نیست، بلکه هدف آنان بازسازی رفتار و زندگی انسان‌ها در گذشته به کمک تفسیر بقایای باستانی چه معماری و چه داده‌های باستانی دیگر در کنار مواد فرهنگی به کمک شناخت روندهای فرهنگی و تحلیل‌های انسان‌شناسانه دربارہ جامعه و فرهنگ گذشته است.

باستان‌شناسان به دلیل از دست رفتن بسیاری از مدارک و شواهد همواره با چالش بزرگ تفسیر این بقایای مادی و بی‌بردن به لایه‌های پنهان فکر و رفتار انسانی روبرو هستند. از این رو شواهد باستان‌شناسی همان بیان واقعیت‌های تاریخی است. آنان همان تداعی‌کننده واقعیت‌های هستند که با مطالعه و شناخت اطلاعات حاصل می‌شود (Becher, 1969: 178-180). از این رو، علم باستان‌شناسی امروزه برای دست یافتن به این اهداف با طراحی و اجرای پژوهش‌های میان‌برو از روش‌های پژوهشی مرتبط مانند باستان‌مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم اجتماعی و تاریخ استفاده می‌کند. باستان‌شناسی و انسان‌شناسی در گرایش تاریخی و پیش از تاریخ با مطالعه داده‌های فرهنگی از همان کسانی که ایجاد‌کنندگان آنان بودند اطلاعاتی می‌دهند. در حقیقت به نوعی تاریخ ناملموس که می‌بایست نتیجه را شناخت. امروزه دقت در تئوری‌ها و نظریه‌های اجتماعی و مطالعات تاریخ فرهنگ چندان مشخص نیست و برای بسیاری از داده‌ها هیچ نتیجه‌ای وجود ندارد (kent, 1995: 199). به نظر می‌رسد امروزه مطالعات تاریخی با باستان‌شناسی بیگانه گردیده است؛ در حالیکه تاریخ با تکمیل داده‌های باستان‌شناسی در تجزیه و تحلیل قوم‌نگاری اطلاعات، پاسخ‌های اساسی می‌دهد. تاریخ نیز به همین نسبت دارای اطلاعات متنوع و گمراه‌کننده است که اگر با اطلاعات باستان‌شناسی این شکاف‌ها پر نشود نظم و انضباط اطلاعات بر هم خواهد خورد (MaKay, 1969: 99). یک مورخ می‌بایست از تمامی حقایق بدست آمده، انتخاب کند تا بتواند بر اساس حقایق و رویدادها نتیجه‌گیری کند. او می‌تواند از اسناد مکتوب در کنار داده‌های باستان‌شناسی استفاده کند و اگر جایی لازم بود در تئوری اعلام شده تغییراتی اعلام کند. هر دو به دنبال شناسایی وضعیت ملموسی از واقعیت‌ها

به کمک داده‌ها و شواهد هستند برای به نتیجه رسیدن در کنار تصورات ذهنی؛ در حالیکه به صورت صددرصد توانایی تایید حقایق را ندارند؛ چرا که گذشته ناشناخته است و آنان فقط ممکن است بتوانند بخشی از گذشته را بازسازی کنند) (Taylor, 1967)

اما این دو رشته تفاوت‌های نیز با یکدیگر دارند: ۱- تفاوت بُعد زمانی است. تحقیقات باستان‌شناسی می‌تواند به سؤالاتی پاسخ دهد که برخی نقاط ضعف تاریخ را پر کند. این علم می‌تواند در مورد تغییرات رخ داده در طی یک دوره و عوامل مؤثر بر آنها، ایده خلاصه‌ای ارائه دهد. باستان‌شناسی برای بازسازی دوره ماقبل تاریخ است به دلیل فقدان سوابق کتبی، مهمترین کمک است. به عنوان مثال سابقه‌ی نیاکان انسان به مدت‌ها قبل از ساخت ابزار بر می‌گردد؛ بنابراین باستان‌شناسی یک فرایند دقیق شامل یک مطالعه دقیق و پیمایش در یک منطقه خاص برای مشخص کردن مکان‌هایی با سکونتگاه‌های احتمالی انسانی در گذشته است. شناسایی این مکانها یا سکونتگاه‌ها برای بازیابی بقایای مواد حفاری می‌شود. سپس برای بازسازی وقایع تاریخی در معرض تحلیل و تفسیر مناسب قرار می‌گیرد. براساس مدارک، قدمت موجوداتی که ما آن‌ها را گونه‌ی انسان امروزی انسان می‌دانیم، حداقل به دو میلیون و پانصد سال قبل می‌رسد. اینکه انسان اولیه یا شبه انسان چه ویژگی‌های دارد که او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند در حیطه فعالیت پژوهشی باستان‌شناسان، انسان‌شناسان و حتی فلاسفه قرار گرفته و هر کدام متناسب با اطلاعات خود و از دیدگاه‌های مختلف به بحث و مطالعه پرداخته‌اند.

باستان‌شناسی از نظر جمع‌آوری داده‌ها به سایر علوم طبیعی و اجتماعی از جمله شیمی، زمین‌شناسی و جانورشناسی وابسته است. به عنوان مثال، هنگامی که یک شیء از محل حفاری کشف می‌شود، یک باستان‌شناس می‌تواند از مواد شیمیایی برای تعیین سن آن استفاده کند، در حالی که گیاه‌شناسی یا جانورشناسی می‌تواند جزئیات مربوط به محیط اطراف جایی که در آن این شیء پیدا شده است را ارائه دهد. تجزیه و تحلیل و تفسیر آثار باستانی، داده‌های زیست محیطی، فرهنگ مادی و غیره گام‌های مهمی را در تحقیقات بعدی شکل می‌دهند. از آنجا که حفاری بخش مهمی از مطالعات باستان‌شناسی را تشکیل می‌دهد، لازم است دانشی در مورد این که از چه ابزارهایی در کاوش‌های باستان‌شناسی استفاده می‌شود داشته باشیم.

۲- ممکن است مورخ خود را محدود در نظریه خود کند و بیشتر نقطه نظر خود را جایگزین تفسیر درست واقعیت‌ها نماید. ۳- ممکن است هر دو هم باستان‌شناس و هم مورخ به دنبال تصمیم‌گیری‌ها و تعمیم نتیجه‌گیری به صورت کلی باشند. به همین علت علائق مشترک با پنهان شدن حقایق رخ خواهد داد. در حقیقت گذشته نه به صورت یک رویداد تاریخی - فرهنگی شناخته نمی‌شود بلکه در توالی افکار اشخاص باقی خواهد ماند.

بنابراین این دو علم در کجا همپوشانی خواهند داشت؟ آنها می‌توانند در موضوعات و اهداف مشابه در مطالعه موارد مورد قبول هر دو به یک توافق نسبی برسند. هر دو باید علاوه بر جنبه‌های مختلف شواهد، به شناختی درستی از حیطه کاری خود رسیده باشند تا بتوانند فرضیات خود را ارائه داده و در یک موضوع به یک جهت‌گیری فکری وارد قلمرو یکدیگر شوند. هر دو آنان می‌توانند از منابع کتبی، شفاهی و داده‌های باستان‌شناسی در باب شناخت فرهنگ‌های مادی و معنوی گذشته پی ببرند. به عنوان مثال در بررسی تحلیل الگوی استقرار در باستان‌شناسی علاوه بر شناخت تاثیرگذاری عوامل جغرافیایی مانند شیب زمین، درصد دوری و نزدیکی به منابع آب، تاثیر ارتفاع در انتخاب سکونتگاه‌ها برای مورخ از نظر ادغام فضاها سکونتی و نظریه‌های مردم‌شناسی اهمیت یابد.

در مثال دیگری می‌توانیم به اشارات وردنبوخ در ۱۹۹۰ در زمان برگزاری همایش تاریخ هخامنشی در ارتباط با شاهنشاهی هخامنشی اشاره کنیم. او در ابتدای همایش اعلام نمود: "در بررسی شاهنشاهی هخامنشی با مسائل و مشکلات مربوط به منابع سروکار داریم. از مجموع ۲۰۰ سال (۵۵۰ تا ۳۳۰ ق.م) حکومت خود را تنها در ظرف سه نسل اول به تدریج از

پارس، میهن ایرانی جنوبی خود چنان گسترده‌ای یافت که از خاور به باختر هندوستان تا مصر و از شمال به جنوب روسیه تا عربستان را در بر گرفت. در این امپراطوری پهناور، ملل گوناگون از امپراطوری‌ها و پادشاهی‌های کهن گرفته تا تعدادی گروه‌های قبیله‌ای کوچک، هر یک با تاریخ، فرهنگ و زبان خود زیر فرمان پادشاهان هخامنشی می‌زیستند. تا جایی که در حال حاضر از مجموع متون موجود و مدارک باستان‌شناختی می‌دانیم و می‌توانیم داوری کنیم، سال ۴۸۰ ق.م نمایان‌گر واپسین یورش نظامی مهم پادشاهان هخامنشی به منظور کشورگشایی بوده است" (وردنبوخ و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰).

در اینجا است که مورخ نیز می‌تواند توضیحاتی احتمالی متکی بر داده‌های باستان‌شناسی را در موقعیت‌های مختلف اعلام کند. بنابراین در مطالعات هم مورخ و هم باستان‌شناس باید به یکدیگر نزدیک شده و برای سوالات مطرح شده جواب‌های واضح و روشن بیان نمایند. باید بدانیم تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته به صورت قطعی نیست و تمامی نتایج به صورت احتمال و استنباطی است و ممکن است با شناخت داده‌های جدید و یا نظریات جدید تمامی موضوعات مطرح شده کنار گذاشته شود.

نتیجه

کشف، شناسایی، مطالعه و تحلیل یک اثر باستانی و یا یک اثر مکتوب تاریخی از منظر تاریخی و فرهنگی وظیفه ذاتی یک باستان‌شناس است و در کنار آن تاریخ و مورخ نیز در راه شناخت فرهنگ و تمدن‌های جوامع گذشته قدم‌های بسیار بزرگی برداشته و روح تازه‌ای را در کالبد علوم اجتماعی و هنر ایجاد نموده است؛ اگر بخواهیم با وام‌گیری تمامی اطلاعات حاصل از فعالیت‌های باستان‌شناسی و مطالعات منابع تاریخی ارتباط این دو رشته را در مطالعات تاریخ گذشته بیان کنیم شاید حق مطلب ادا نشود. این نوع تاریخ‌ورزی به آن معناست که ما افزون بر مطالعات مشترک انجام شده در هر دو رشته به یک ارتباط کنشگرانه و جامعه‌محور نیاز داریم تا این دو علم را به طور عام برای همه و خاص برای پژوهشگران تحت تاثیر قرار دهد؛ به این معنا که نتایج مطالعات هر دو رشته به منظور عمیق‌تر شدن آگاهی‌ها به جامعه در گذشته و زمان حال کمک کنند. در این بحث نیاز به افزایش خودآگاهی هر دو رشته از دانش و تاریخ کشور مورد مطالعه است. هر دو رشته مسئولیت اجتماعی ایجاد شده را پذیرفته و از منظر محافظه‌کاری خارج شوند و در کنار اطلاعات بدست آمده به دید یک روشنگر و انتقال‌دهنده دانش با هم همکاری داشته باشند. هر دو رشته می‌بایست در برخورد با جهان اجتماعی و تاریخی خود همان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به صورت حرفه‌ای و سازمان‌های علمی به ایفای نقش‌های تخصصی و افزایش نگاه تاملی در موضوعات را ایجاد نمایند. افزایش میزان ارتباط هر دو از طریق افزایش مهارت‌های پژوهشی، تاریخ‌ورزی متناسب با دانش و عملکرد خود به تولید دانش بپردازند. باستان‌شناسی وسیله‌ای برای شناخت، آگاهی یافتن و درک بهتر هر تمدن در کنار مطالعات فرهنگی تاریخ می‌تواند عظمت، شکوه و دگرگونی تاریخ بشر، معماری، سکونت بشر، و .. را به ارمغان آورد. باستان‌شناسی با شناخت در بحث مصنوعات، اجزای معماری و تمامی فعالیت‌های بشر از طریق حفاری و بررسی‌ای سیستماتیک باستان‌شناختی با کمک حوزه‌های دیگر مانند تاریخ، قوم‌نگاری، انسان‌شناسی و سایر رشته‌های دیگر به منظور کسب اطلاعات و شناخت فعالیت‌های فرهنگی بشر فعالیت می‌کنند. باستان‌شناسی از طریق تعیین قدمت و تاریخ از طریق تبیین توالی تاریخی و تطورات گاهنگارانه آثار و باستان‌شناسی رشته‌های ارتباط بین گذشته و حال و بیان ارزش جهانی آثار نقش اساسی دارند. باستان‌شناسی موضوع مناسب و مورد

علاقه در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی است که تعلقات آنها به تاریخ و فرهنگ بسیار برجسته است. در این میان شاید یکی از اصلی‌ترین مباحث رسالتی است که باستان‌شناسی و تاریخ به هر جامعه دارند.

منابع:

- آقائی، میثم (۱۴۰۲). معرفی رشته باستان‌شناسی بررسی تاثیرات متقابل تاریخ و باستان‌شناسی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین در مدیریت، روانشناسی و حسابداری، دانشگاه تهران.
- پایزاده، مریم، سیدجلال هاشمی و پروانه ولوی (۱۳۹۴). تحلیل محتوای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهیدچمران از نظر کاربست مولفه‌های تفکر انتقادی پیتروفسیونه، نشریه علوم تربیتی، شماره ۱۰۱، ص ۱۴۷-۱۷۲.
- خالدیان، ستار و حسین صدیقیان (۱۳۹۲). باستان‌شناسی دوران اسلامی، تاریخچه و مفاهیم. پیام باستان‌شناس، سال دهم، شماره نوزدهم، ص ۱۲۱-۱۳۲.
- دارک، کن، آر (۱۳۷۹). مبانی نظری باستان‌شناسی، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۰). تئوری و عمل در باستان‌شناسی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فاگان، برایان (۱۳۸۲). سرآغاز، درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی، روشها)، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: انتشارات سمت.
- ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۹۶). پیوندها و پیوستگی‌های میان دانش باستان‌شناسی و تاریخ، خردنامه، سال هفتم، شماره ۱۸، ص ۱۳۷-۱۵۶.
- موسی پورنگاری، فریبا و مهدی مرتضوی (۱۳۹۴). گفته‌ها و ناگفته‌هایی درباره‌ی باستان‌شناسی روندگرا، پژوهش‌های باستان‌شناسی، ص ۷-۲۶.
- موشنسکا، گابریل (۱۳۹۶). چرا تاریخچه باستان‌شناسی اهمیت دارد؟، ترجمه مهران منتشر، خردنامه، سال هفتم، شماره ۱۸، ص ۱۵۷-۱۶۸.
- میراشه، زهرا (۱۳۹۹). نقش باستان‌شناسی عملی در آموزش تاریخ به کودکان، پژوهش در آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، ص: ۴۷-۶۵.
- میراشه، زهرا (۱۳۹۹). نقش باستان‌شناسی عملی در آموزش تاریخ به کودکان، پژوهش در آموزش تاریخ، دوره اول، شماره سوم، ص: ۴۷-۶۵.
- وردنبورخ، هلن سانیسی، آملی کورت و مارگارت کول روت (۱۳۳۰). تاریخ هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد ۸، تهران: انتشارات طوس.

-Kent, G. Lightfoot. (1995). Archaeological research facility, Department of anthropology. University of California, Berkeley, CA, 60(2), pp:199-217.

-Makay, Joyce. (1969). The Coalescence of History and Archaeology, HISTORICALP RESERVATIOCNE NTER VERMILLIONS.O UTHD AKOTA, pp:94-98.

-Schadla-Hall, tim. (2004).” The comforts of unreason: The importance and relevance of alternative archaeology”, PUBLIC ARCHAEOLOGY, Edited by Nick Merriman, ritish Library Cataloguing in Publication Data A catalogue record for this book is available from the British Library Library of Congress Cataloging in Publication Data has been applied for ISBN 0-203-64605-3 Master e-book ISBN. P:255-289.

-Taylor, w. (1967), A study of archaeology, Carbondale, southern Illinois university press, 1948

- Value and significance in archaeology, Lafrenz Samuels, Kathryn ,2008;archaeological Dialogues15(1) 71-97.
- Whiteley Peter M. (2002). “Archaeology and oral tradition: The scientific importane of dialogu”, American Antiquity, Jul., 2002, Vol. 67, No. 3 (Jul., 2002), pp. 405-415.
- [https://sciencestruck.com/why-is-archaeology-important\(16/07/2023:23:02\)](https://sciencestruck.com/why-is-archaeology-important(16/07/2023:23:02)).
- [https://www.saa.org/about-archaeology/what-is-archaeology\(16/07/2023:23:02\)](https://www.saa.org/about-archaeology/what-is-archaeology(16/07/2023:23:02)).